



خود را گسترش دهیم. باید از فرصت پیش آمده برای تحقق آن هدف تبدیل ایران به هاب (قطب) گاز منطقه بهره برد. یعنی از هر کشوری که گاز مازاد دارد، بخریم و خودمان به کشور دیگری که تقاضا دارد بفروشیم. شرایط الان خاص است. این روس‌ها هستند که دنبال بازارند و این طور نیست که ما بگوییم، روسیه به ما گاز بفروشد.

در این باره، در جولای ۲۰۱۹ روسیه با ترکمنستان ۵/۵ میلیارد مترمکعب قرارداد گازی منعقد کرد که از ترکمنستان گاز بگیرد و تعهدات صادراتی را بدهد. می‌خواستند این گاز را بخرند که وقتی پروژه‌هایی مانند نورد استریم ۲ افتتاح شد، توان تأمین تعهدات را داشته باشند. اما الان حتی گاز کشور ثالث مانند ترکمنستان را که نمی‌خواهند، در فروش گاز خود نیز با مشکل مواجهند.

ما دو خط لوله با ترکمنستان داریم که در مجموع ۲۰ میلیارد مترمکعب ظرفیت انتقال دارد. ترکمنستان که قرارداد ۸ میلیارد مترمکعبی گاز با ما را به دلالی در دولت گذشته متوقف کرد. هر چند که از نظر قراردادی چند مدتی اعتبار دارد، اما ترکمنستان بخشی از گازی را که به ما می‌داد، اکنون به جمهوری آذربایجان می‌دهد. حالا ما می‌گوییم، آن گازی که با شرکت روسی گازپروم قرارداد داشتند و روی دست مانده، اگر روسیه بند مقصد در قرارداد را حل کند، می‌توانیم آن ۵/۵ میلیارد مترمکعب در سال را وارد کنیم. زیر ساخت آن وجود دارد و در گام بعدی می‌توانیم با اقداماتی به ۲۰ میلیارد مترمکعب نزدیک شویم. چون یک خط لوله دیگر نیز وجود دارد که می‌توان با معکوس کردن خط Reverse برای واردات گاز روسیه استفاده کرد.

این خط جزئی از شبکه کلی آسیای مرکزی بود که در دهه ۱۹۶۰ احداث شد و عمدتاً بخشی به ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان

وصل است که جزئی از شبکه شوروی سابق است. یکی از شاخه‌های مهم آن خط لوله‌ای است که گاز ترکمنستان را به صورت سنتی به شوروی انتقال می‌داد. این اقدام از نظر فنی شدنی است و براحتی می‌توان مابه‌التفاوت ۵/۵ میلیارد تا ۲۰ میلیارد مترمکعب را از این محل به ایران انتقال داد. تأکید می‌کنم، این گاز را می‌خریم. آن هم با قیمت بسیار اقتصادی و گاز جمهوری اسلامی ایران می‌شود و سودآوری دارد.

■ به همین خاطر است که مسئولان صنعت نفت می‌گویند این بخش از تفاهنامه به قرارداد نزدیک است؟

بله. زیرساخت‌های آن وجود دارد. در کنار آن، برای افزایش سهم بازار و همین‌طور توسعه ظرفیت‌های تولید داخلی هم، وزارت نفت برنامه مدونی در سناریوهای مختلف تحریمی یا برجاسی دارد. در حقیقت در برنامه‌های صادرات گاز، بخشی را با ظرفیت‌های داخلی پیش می‌بریم و بخشی را هم با استفاده از شرایط ژئوپلیتیک گاز اجرا می‌کنیم. هر زمانی که توان داخلی ما بالا رفت، دست بالاتر هم نسبت به گذشته در مذاکرات با روس‌ها خواهیم داشت چون روس‌ها دیگر به این راحتی بازار پیدا نمی‌کنند. اما ما می‌توانیم پروژه‌های صادراتی مثل قرارداد پاکستان و عراق را اجرایی کنیم و با این گاز از بازارمان تا زمان افزایش تولید داخلی محافظت کنیم و اگر هم فشارهای خارجی کمتر شود و برخی از ریسک‌ها را عمانی‌ها بپذیرند، با آنها نیز قرارداد ببندیم.

اکنون برای روس‌ها دسترسی به بازار محدود شده، اتحادیه اروپا را از دست داده‌اند و حتی ترک‌ها هم به راحتی نمی‌توانند برای خرید گاز روسیه مقابل اروپا قرار بگیرند. اما این همکاری برای ایران سودبخش است. با این کار نه تنها بازار را از دست ندادیم

بلکه خردمندانه و با درک موقعیت فعلی آثار منفی مصرف داخلی و عدم توسعه منابع در سال‌های گذشته را پوشش داده‌ایم. این بهترین وضعیت دیپلماسی گازی در شرایط فعلی برای ماست. سهم بازار برای امنیت، اهمیت راهبردی دارد و ما حاضر نیستیم به راحتی بازار را از دست بدهیم. به خاطر مشکلاتی که ریشه در گذشته دارد، عراق به دنبال قرارداد با ترکمنستان بود و عنوان می‌کرد که جمهوری اسلامی فقط سوآپ کننده شود؛ اما ما می‌گوییم اگر قرار است این اتفاق بیفتد، ترکمنستان و هر کشوری که گاز دارد، به ما بفروشد و آن وقت ما آن را به عراق می‌فروشیم. اما اگر مدل رفتاری گذشته در زمینه ظرفیت صادرات ادامه می‌یافت، به همان نقطه هم می‌رسیدیم که صرفاً ترانزیت‌کننده باشیم. اگر اکنون عراق شکایت دارد که گاز به اندازه داده نمی‌شود، جدا از مباحث بدهی گازی، یک دلیل آن این است که در هشت سال گذشته برنامه‌ای مبتنی بر تقویت توان داخلی خودمان نداشتیم.

■ آیا با تکیه بر توان داخلی می‌شد این توسعه و بهینه‌سازی را ایجاد کرد؟

ما معتقدیم که می‌توانیم با تکیه بر توان داخل، توسعه را ادامه بدهیم. ضمن آنکه الزامی ندارد حتماً همکاری بین‌المللی را صرفاً به همکاری با شرکت‌های به اصطلاح معظم بین‌المللی منحصر کنیم هرچند مخالف آن هم نیستیم. گزارش سال ۲۰۱۶ مؤسسه سلطنتی روابط بین‌المللی Chatham House را با عنوان مرگ شرکت‌های بین‌المللی بخوانید. اشاره می‌کند که دیگر این شرکت‌های کوچک هستند که هم لبه فناوری را دارند و هم ریسک‌پذیر هستند. توتال شاید در شرایط تحریم با ما همکاری نکند، اما شرکت‌های کوچک ریسک‌پذیرند و در چنین شرایطی باز هم می‌مانند. حتی با این شرکت‌های شرق و غرب می‌توانستیم بسیاری از پروژه‌های داخلی را خودمان پیش ببریم. همین شرکت‌ها بودند که انقلاب شیل امریکا را رقم زدند. حتی اسمش را انقلاب گذاشتند و صنعت نفت امریکا را متحول کردند. به واسطه فعالیت این‌گونه شرکت‌ها بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ نزدیک به ۴ میلیون بشکه در روز به تولید نفت امریکا افزوده شد. اینها پیشرو تولید نفت شیل در امریکا بودند. ما هم با تکیه بر توان همین پیشروهای فنآور کوچک شرقی و غربی می‌توانیم تکنولوژی‌های بخشی و موضوعی را تأمین کنیم یعنی با تکیه بر توان خود، شرکت‌های دانش بنیان و همکاری با این شرکت‌های کوچک فنآور کار را پیش ببریم.

■ آیا پاکستان قبول می‌کند که گاز ایران را بخرد؟ حضور روسیه در این معادله تأثیری دارد؟

اول این نکته را بگویم که در تعاملات ما با روس‌ها بحث خرید گاز به تنهایی مطرح نیست. بخشی از آن خرید گاز است، همان‌طور که از ترکمنستان گاز می‌خریدیم. قبلاً ۸ میلیارد مترمکعب از ترکمنستان می‌خریدیم اما حالا از روسیه می‌خریم. اما ظرفیت بالفعل ما برای خرید گاز محدود است و به اندازه‌ای می‌خریم که الان بازار داریم. اما اگر روسیه بیش از ۲۰ میلیارد مترمکعب می‌خواهد به ایران گاز صادر کند، لازم است که برای تحقق برنامه‌های صادراتی ما هم سرمایه‌گذاری